



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۷۶۴

صفحه ۲۱۳۳

مدیر سید محمد هاشمی

۵ شنبه ۹ مهر ماه ۱۳۲۶

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۰۵

روزنامه یومیه

فهرست مفاد رجات

- ۱- بقیه صورت مشروح مذاکرات بیست و نهمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۸ تا ۹
- ۲- آگهی های رسمی

رئیس آقای امامی اهری بقیه مذاکرات را بفرمائید.

امامی اهری - بنده مجبورم مقدمه شعری را که چندی پیش آقای قوام در اعلامیه خودشان نوشته بودند آنرا بخوانم و بعد بیاناتم ادامه بدهم هزار جهد بکردم که سرعشق بیوشم ... یا نگویم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم ، تأثرات باطنی و انجام وظیفه ملی پرریوز من را وادار کرد که در اینجا حقایق را بر عرض آقایان برسانم ولی با یک عملی مواجه شدم که شاید در هیچیک از ممالک مشروطه دنیا سابقه نداشته باشد و آن عبارت بود از خروج دولت باحال اعتراض وتوام با ابسترو کسیون اکثریت در برابر نماینده اقلیت من برفتن دولت کاری نداوم بیاید ، برود آنچه باقی است. مجلس است. تعصا از طرفداری دولتی آنهم با اشاره رئیس دولت که نمایندگان ملت بعنوان اعتراض خارج شده و در محیط خارج اینطور قلمداد شود که اکثریت مجلس مرعوب و فرمانبردار رئیس دولت است (سزوار - این طور نیست) (فولادوند - همچو چیزی نبود ، حیثیت و کلا را حفظ کنید) درست توجه بفرمائید بنده عرض میکنم در خارج اینطور وانمود میشود (سزوار - شما بخارج چکار دارید) (فولادوند - بمجلس امانت نکنید) بنده میخواهم عرض بکنم مقام آقایان بالاتر از اینهاست (سزوار - ما خودمان هم میدانیم) مقدرات مملکت

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۲۰

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه هفتم شهریور ماه ۱۳۲۶
مجلس یکساعت و ربع بظهور بریاست جناب آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید

و حالا باز برای تذکر این دو ماده ای که مربوط باز باب جراید و تماشاچیها است قرائت میشود و من امروز دستورا کیدادم که هر کس بخلاف نظم رفتار کند فوراً از جلسه خارجش کنند حالا ماده راقرائت میکنم و تمنا میکنم رعایت نظامات مجلس را چه تماشاچی و چه آقایان نمایندگال هر کس در حدود خودشان بکنند آقای فولادوند ماده نظامنامه را قرائت کنید :

(مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ نظامنامه داخلی توسط آقای فولادوند بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۴۲ - مخبرین جراید و تماشاچیان با داشتن بلیط در محل مخصوصی که خارج از محل اجلاس نمایندگان برای آنها معین شده است حق دخول دارند .

ماده بعد - مخبرین جراید و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از آنها علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهد شد .

ماده بعد - هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یا اختلال نظم شود فوراً بمحاکم مرجع جلب میشود .

رئیس - جلسه پیش بواسطه تشنجی که در مجلس رخ داد بعنوان تنفس تعطیل شد بنده می بینم در بعضی از جراید حوادث و وقایع مجلس را بطور حقیقت درج نمیکنند در جلسه پیش پس از این که مجلس از اکثریت افتاد من تنفس دادم و بلند شدم (صحیح است) ولی دیدم در یک روزنامه ای نوشته شده که رئیس وقتی بلند شد جلسه از اکثریت افتاد همه آقایان مشاهده کردند که این طور نبود (صحیح است) و بواسطه همه من مطابق ماده نظامنامه میتوانستم بلند شوم و مجلس را هم تعطیل کنم (صحیح است) ولی اینکار را نکردم و پس از این که مجلس از اکثریت افتاد تنفس دادم قسمت دیگر که من دیدم نسبت با آقای گنبدی که نماینده ساری است نوشته شده است که من یک عبارتی را گفته ام که البته حالا ذکر نمیکنم ولی اینطور نبود من بایشان گفتم حرف نزید و ساکت باشید (صحیح است) و البته در نظر هست در هیئت رئیس هم مذاکره شد که ما بتوانیم یک روزنامه ای بعنوان مجلس دایر بکنیم که حقایق مذاکرات مجلس راهم روزها برای اطلاع مردم منتشر کنیم (صحیح است) و اما نسبت به تماشاچی هایی که آرزو از حدود دائره نظم خارج شدند یکی دومرتبه این مسئله در مجلس رخ داده

● بقیه مذاکرات مشروح بیست و نهمین جلسه از دوره پانزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

دست شاست، سر نوشت دولت و تعیین تکلیف آن با شاست (صحيح است) چنانکه اینجا کرار گفته شده و حقیقه هم همین است مجلس خالق است و دولت مخلوق مجلس است (صحيح است) آقایان باید بدانند که هر وقت تصمیم گرفتند دولت آقای قوام یا هر دولت دیگری، باید بروند و آقای قوام هم این قسمت را در نظر بگیرند که اگر در یک مملکت پارلمانی و مشروط میخوانند حکومت بکنند باید تحمل شنبین حقایق را در اینجا بخودشان هموار بکنند (نخست وزیر - اگر حقایق باشد بلی) (فرامرزی - حقایق مقصودشان حرف مخالف است) (معمد دماوندی - اینجا که گفتید حقایق نبود) باری چند نکته ای را در جلسه گذشته که آن اتفاق روی داد و متأسفانه مجال نشد در اطراف آن توضیحاتی داده شود توضیح میدهم در جلسه گذشته آقای رئیس و بعد چند نفر از آقایان نمایندگان اکثریت حرف مراعظ کردند که در نتیجه مجلس منتسج شد در صورتیکه این اعمال آقایان طبق ماده ۱۱۲ نظامنامه ممنوع است و باعتماد من لازم بود بآن آقایان اخطار بشود و اگر بتخلفات خودشان ادامه میدادند و تکرار میکردند تنبیهات قانونی در آنان اجرا شود بالعکس بنده مورد اخطار واقع شدم در حالیکه ندانستم و حالا هم نمیدانم من چه عمل خلافی مرتکب شدم (فولادوند - فحش دادید) (جواد گنجی - گوش کن آقا) با اینکه تحصیلات من در رشته حقوق بوده قسمت عمده عمر من در باره قضاوت گذشته و در فهم مطالب قانونی هم این قدر استعداد دارم نتوانستم بفهمم بچه عنوان میخواستند من را مشمول ماده ۱۱۲ بکنند آیا نوبت صحبت با من نبود؟ آیا من بعنوان مخالف دولت حق صحبت نداشتم؟ آقایان متوقع بودند من که بنام مخالف اینجا اسم نوشته ام بیایم منم مدیحه سرایی بکنم؟ بنده قصد توهین بکسی نداشتم، ندارم و نخواهم داشت (صحيح است) اما آنچه بنظر میرسد و آنها را حقایق میدانم و صحبت را در نظر ملت و دنیا هم آشکار میدانم گفته ام می گویم و باز هم خواهم گفت ...

رئیس - گوش بدهید آقا چون شما اخطار را گفتید اینجا البته بنا بوظیفه نمایندگان حق دارید آنچه مصلحت میدانید بگوئید اما البته با رعایت نظامنامه و با نزاکت و الا هیچ ایرادی بشما نیست شما مختارید آنچه بنظرتان میرسد این جا با آزادی بیان کنید و آزادی عقیده و افکار هم دارید اما با نزاکت که مخالف نظامنامه نشود، بفرمائید (صحيح است)

امامی اهری - ... هر کس مخالف عقیده من است باید اینقدر صبر داشته باشد که حرفهای من را بشنود و بعد جواب بدهد و اگر جریانات آنروز تکرار شود که بین تماشا چیها کشمکش ایجاد بشود و بین آقایان نمایندگان داخل مجلس هم تظاهرات زننده و بیجا و اهانت آمیز بنمایندگان اقلیت ظاهر بشود من برای عنوان مصونیت وکیل مجلس دیگر چیزی و عنوانی قائل نیستم. همین طور که آقای رئیس الان تذکر دادند وکیل قبل از هر چیز باید در نطق آزاد باشد و خصوصاً قبل

چرا سکوت کنیم در حالی که نمایانیم فردا چه وضعی در دنیا ایجاد میشود و این دولت با این سوابقی که دارد اگر رأی گرفت چه نقشه هائی اجرا خواهد کرد، مگر آقای قوام تاکنون هر عملی که کرده با کسی در این کشور مشورت کرده است یا کسی قبلاً میدانسته که او چه میخواهد بکند؟ این مسئله بسیار عجیب و برای کشور خطرناک است که صرفاً روی تعصب مصالح کشور را زیر پا بگذاریم، مگر خیال میکنید که من با آقای قوام خدای نکرده دشمنی یا سابقه خصومتی دارم؟ خیر فقط احساسات ملی مرا موظف کرده که این اظهارات را در اینجا بکنم من معتمد که عدم اعتماد به آقای قوام بیشتر روی این اصل است که می بینم ایشان نه تنها از تجارب گذشته دیگران استفاده نمیکنند بلکه بتجارب گذشته خود هم بی اعتنا هستند و سیاست استتار را پیروی میکنند. ایشان خواسته اند در نظر ملت ایران و مجلس ایران مجسم سازند که خدمت کرده اند بنده هم عقیده ام خلاف اینست برای روشن شدن این امر معتمد اوضاع کشور را در آغاز زمامداری ایشان در نظر گرفته و آن اوضاع را با اوضاع امروزی مقایسه کنیم در جلسه پیش عرض کردم در موارد داخلی مملکت آنقدر عدم اعتناء بقانون شده است که اگر بخواهم شرح آنها بپردازم بایستی چندین جلسه وقت مجلس را بگیرم ولی من نظرم اجمال است فقط من باب مثال بیک دو مورد اشاره میکنم. دولت خالصجات را بدون اجازه مجلس تقسیم کرده من البته مخالف تقسیم خالصجات نیستم و بلکه عقیده دارم خالصجات باید بین زارعین و خرده مالکین تقسیم بشود (صحيح است) اما هر اقدامی که بدون توجه و رعایت قانون در مملکت انجام بشود من با آن اقدام مخالفم (صحيح است) این عمل هم بایستی با تصویب و اجازه مجلس شورای ملی بشود. موضوع دیگری که امروز صبح با آقای گنجی وقتی میآمدم مواجه با او شدم راجع به وضع شهرداری تهران که از قرار اطلاع مبالغ هنگفت و قابل توجهی در اثر مخارج بدون ملاحظه درآمد مدیون شده و حالا هم عده زیادی هر روز از طلبکاران شهرداری به آقایان نمایندگان مراجعه میکنند بایستی که تکلیف این قسمتها روشن شود ولی اینها را من زیاد اهمیت نمیدهم من آنقسمت بیانات ایشان را که همیشه متذکر شده اند در مدت زمامداری خود انجام داده اند دو موضوع بود که بیشتر برخ مردم ایران میکشند یکی تخلیه ایران بود از ارتش بیگانه و دیگری موضوع آذربایجان است در صورتیکه ارتش بیگانه بر طبق قرارداد منعقد بین ایران و متفقین ملزم بودند در مدت معین گذور ما را تخلیه کنند (صحيح است) و هیچ تصور نمیرفت که سانسبیکه در راه آزادی و استقلال ملل ضعیف جوانان خود را بخاک و خون کشیده اند و میلیارد ها ثروت ملی خود را بیاد داده اند برخلاف امضاء و تعهد خود رفتار نمایند. دوم هم حل مسئله آذربایجان است که من عقیده ام این است که اگر در سیاست خودشان راه غلط را نمی بینند مسلماً در ابتدای امر وقتی که موافقت نامه غیر قابل قبول ملت ایران را امضاء کرده اند در همان موقع موفق بجل قضیه متجاسرین میشدند آیا این خدمت است که بوسیله مظفر فیروز (ممکن است آقای حاذقی بیاز

بگویند اسمش را نبر و با اعتقاد بعضیها هم خائن شماره یک نامیده میشود) (محمد علی مسعودی - صحيح است) این جا نقشه قبول ۷۰۰ نفر از متجاسرین را که اغلبشان مهاجر بودند و شاید در رأس آنها غلام یحیی معروف بود میخواستند درجات فلابی ژنرال و مایور آنها را بدرجات ارتش ماطبقت بکنند و داخل قشون ایران بکنند و بدین وسیله انحلال ارتش ما را فراهم بکنند؟ البته میدانند آقایان که ارتش این پیشنهاد را نپذیرفت فرار شد با تصویب نامه این عمل را انجام بدهند ولی پناهان که از صاحبمنصبان سابق ارتش بود و گویا سرهنگ هم بود و تا اندازه از قوانین ارتش ایران مسبوق بود و میدانست که تصویب نامه تأثیری در این باب ندارد مظفر فیروز پناهان را حضور اعلیحضرت همایونی برد و استدعا کرد که در این باب فرامی صادر شود ولی پندگان اعلیحضرت همایونی با کمال صراحت عدم موافقتشان را با این درخواست اظهار کردند و من مطمئنم که موقع بحرانی که ارتش جوان ما در اثر یارۀ اقدامات و خیانتها دچار تزلزل روحی شده بود هیچوقت فراموش نکرده است و دیر یا زود مسبین را بیای محاکمه و مجازات خواهد کشید بشرطی که دادستان عرض نشود و بجای خودش باشد. آیا مبادله چند نفر مهاجر متهم بقتل و سایر اعمال خلاف بانمایندگان رسمی دولت که در آذربایجان بدست متجاسرین اسیر شده بودند عمل صحیحی بود؟ آیا میدانید که با استخلاص آن متهمین و برگشتن آنها با آذربایجان چه فجاج ناهنجاری در آنجا رخ داد؟ وجه خانمانهائی بدست همان اشخاص با قدرت؟ آیا دولت منکر است که با پیشه وری قرار داد بسته اگر این مردخائن نفهم آن ۷ ماده را قبول میکرد و از لحاظ تظاهر و اغفال مردم دست بیک رشته اصلاحات میزد آذربایجان تجزیه نشده بود و سرایران بریده نشده بود؟ آیا شما در هر موقع پیشه وری را آزاد بخواه خطاب نکردید و با این عمل خود بکشت آذربایجانی را از طرفداری دولت مایوس نمودید؟ برای مذاکره با متجاسرین مظفر فیروز را فرستادید؟ در صورتیکه اولین منظور آقای فیروز مخالفت با استقلال و سلطنت ایران بود. پس از آن قضایائی که در آذربایجان پیش آمد هر کدام از متجاسرین که خواستند مصون بمانند خود را بر سر رسانند و از تعرض هم مصون ماندند این قسمت خیلی آن موقع اشتها داشت که آقای رئیس دولت که فعلاً رأی اعتماد از مجلس میخواهد بسرهنگ آیرم صریحاً دستور دادند کسر دشت را تحویل متجاسرین بدهد (نخست وزیر - کجا را؟) سر دشت را.

نخست وزیر - کی دستور داده بود؟
امامی اهری - اینطور اشتها داشت که آقای قوام دستور داده بود. من این افسر با شهامت را نمیشناسم و ندیده ام ولی این شهامتش را میبینم و از لحاظ اینکه خون ایرانی در رگهای او وجود داشت اطاعت از چنین دستور و امری نکرد. عقیده عده زیادی بر این است که دولت سعی و کوشش لازم را بجا آورد که شکایت ایران از شورای امنیت مسترد شود و در همان اوقات که آقای علاء با کمال

ایمان بوطن خود، بیچن خود خدمت میکرد کاری در باره او شد که یکی از روزنامه های فرانسه نوشت تاکنون هیچ سفیر کبیری در تاریخ سیاسی دنیا اینقدر خفت نکشیده بود (محمد علی مسعودی - مظفر کرد آقای امامی پیش خود آن کار را کرد)

نخست وزیر - اینجا که میگوئید تمام دروغ است از سرهنگ آیرم تا چیزهای دیگر.
امامی اهری - منم شنیدم. ام. آقای امینی که مطمح هستند البته مفر مائید (امینی - البته موقع) ولی ما هم باید حرفهایمان را بگوئیم (امینی - بفرمائید)...

نخست وزیر - اگر بمجرد استماع يك مطالبی را باید اظهار کرد منم نسبت بشما خیلی چیزها شنیده ام.
معتمد دماوندی - هر چه دروغ دارید بگوئید
امامی اهری - عقیده مردم بر این است که چون نمیتوانند آقای قوام بخالفین خودشان و روزنامه ها جواب قلمی و قانونی بدهند و اینها را از راه قانون تعقیب کنند متوسل بحکومت نظامی میشوند و متوسل بسرنیزه میشوند، آقایان نمایندگان تحت تأثیر تعصب حزبی یا رقابت یا بتمهات اخلاقی واقع نشوید این مسائل را در نظر بگیرید و صلاح ملت و کشور ایران را منظور نظر خودتان قرار بدهید. صلاح ملت ایران در این موقع اینست که آقای قوام بروند (سزاوار - هیچ همچو چیزی نیست) و کار را بدستهای بسیاریرند که بکنند بتوانند با نیروی اراده و اتکاء بملت ایران این خراب کاریها را اصلاح بکنند در چنین موقعی که باید حداکثر استفاده را از اوضاع بین المللی بکنیم وقت خود را بدان جواز و بعضی زد و بندها تلف نکنیم، من شخصاً روی دلائلی که عرض کردم اعتماد با آقای قوام ندارم و زمامداری ایشان را مخالف مصلحت کشور میدانم ولی اکثریت اگر يك چنین اعتمادی داشته باشد باز هم باید تمسیر بکنند که رأی اعتماد به آقای قوام شامل گذشته ایشان نیست والا بزرگترین بدبختیها را برای این کشور فراهم خواهد کرد. من چون از تشنج پرریوز مجلس بی نهایت متأثرم و حقایق تا اندازه ای گفته شده و زیاد هم وقت آقایان برض میرسانم که بر خلاف اشتها ی که موافقین دولت فعلی در خارج انعکاس داده اند و اشتها داده اند، ایران خالی از مردان وطن پرست نیست (صحيح است) و در هر گوشه از این مملکت مردان وطن پرست مدبر و لایق وجود دارد که قادرند کشتی شکسته مملکت را بساحل نجات و سعادت برسانند (معتمد دماوندی - یکیش خود شما هستید) بعضی یادداشتها بمن رسیده ولی چون متأثرم و حال مزاجیم هم خوب نیست وقت مجلس را هم نمیگیرم و عقیده دارم که وقت مجلس هم خیلی شریف است و باید صرف اصلاحات عمومی و نکات مهمه دیگری بشود از گفتن آنها صرف نظر میکنم آقای مکی هم يك تلگرافی فرستاده اند که از فرات آن عذر میخواهم.
رئیس - آقای آصف.
آصف - بنده هر وقت پشت تریبون میآیم يك تابلویی از صورت آن قسم نامه ای که بکلام الله مجید مکرر یاد کرده ام از نظرم میکشود خصوصاً

يك جمله ای از آن که نصب الامین بنده است نوشته شده است «هیچ مقصود و منظوری نداشته باشم جز حفظ مصالح دولت و ملت ایران» (صحيح است) این عده ای که در اینجا بستم نمایندگی در مجلس حاضر هستیم اکثریت با اقلیت باینکده ای امثال بنده منفر دین در نیک و بد کشورش کت داریم، همینطور در اوایل تشکیک مجلس عرض کردم چون حالا هیئت محترم دولت هم حضور دارند یادآور میشوم بعد از تصویب اعتبار نامه نمایندگان نه تنها نماینده حوزه انتخابیه هستند بلکه نماینده ۱۵ میلیون ایرانی هستند (صحيح است) ما خودمان جزء این جامعه هستیم و البته این افتخاری که بما داده شده بسی مباحات دادند زیرا ملت ایران در واقع ما را ولی خود قرار داده اند ولی بعقیده بنده مستخدم هستیم، تکلیف و وظائف ما بسیار دشوار است، راست است نماینده از بعضی تهرضات مصون است لکن در مقابل هم مسئولیت های بسیار دشواری دارد. سایر افراد يك جا حساب پس میدهند ولی محاسبه ما در دوجا خواهد بود اول بدرگاه احدیت، دوم پیشگاه ملت یعنی همانطور که احکام مذهبی ما بما میگوید، کرام الکاتبین اعمال شمارا مینویسد و در روز آخر در دیوان عدل الهی محاکمه خواهد شد از اینطرف هم در پیشگاه ملت باز بایستی مایک حسابی را پس بدهیم، بنده همانطور که عرض کردم عرایض بنده بر عایت همان اصلی است که در بدو عرایضم تذکر دادم هر وقت وارد تالار تنفس میشوم بآن تابلو نظر میاندام و بگذشته ایران نظر میانکنم، رجال گذشته ایران را در نظر میآورم و قتیکه برحوم مظفر الدین شاه و مرحوم مؤمن الملک میرسد يك بهتی بر بنده مستولی میشود زیرا این پادشاه باقتضای آرزمان لباس سلطنت را در برداشته و مملو از جواهرات، مرحوم مؤمن الملک سلطان وقار و متانت و آن مجبوبیت را که همه تان میدانید و یا هر دوی اینها از شاه الی گدا وقتی که رفتند چه با خود میبرند و چه از خود جا میگذارند آنیکه خیلی محترم است ۱۲ متر چلووار و یکتر و نیم طول سه چارک عرض زمین نصیبش میشود (صحيح است) آن یکی دیگر هم که فقیر است بعوض چلووار حساب کدام میرود ولی معلوم نیست در تفریح این حساب کدام میکردند؟ این یکی، این موضوع بدهی محرز، ولی موضوع دنیائی و حساب ما در جامعه، بنده تصور میکنم ماها که شاگرد اینمدرسه هستیم هیئت محتمه ما افکار عامه است و قتیکه دانشجو ها را در هیئت متمتع امتحان میکنند بیکدهای هم از استادان محترم و دانشمندان در مجلس تشریف دارند و بیکدهای هم در خارج هستند اینها دقت میکنند در تحصیلات آنها خوشبخت آن کسی است که موفق میشود باخذ دیپلم و از دست استا ان مشفق مثل جناب آقای دکتر رفق و آقای دکتر مظفری یا سایر آقایانی که در بیرونند اخذ میکنند و البته باعث مباحثات است ولی وای بحال آن روزی که عکس این باشد و خدای نکرده مادر مقابل جامعه باخذ آن موفق نشویم و رفوز، بشویم بنده همیشه این حسابها را در نظر خود دارم و کبلی هم که ۱۰ دوره ۱۱ دوره در خدمات ملی بوده، امروزه که همه ماها يك نژاد هستیم از يك

فامیل و یک خانواده بزرگ که ایران است (صحیح است) و بنده هم جزء این خانواده هستم و همه یک شاخه‌هایی هستیم از یک کتفه سبز شده‌است آنچه از روی صلاح این جامعه بنظر می‌رسد همان را عرض میکنم و امیدوارم با تقدیم راه‌حلی المقدور ناآنجاییکه میدانم بخطر نبردارم (صحیح است) لکن لطف مجلس بتشکیل اکثریت و اقلیت است اکثریت دولت را بوجود می‌آورد اقلیت هم در خودش را بازی میکند و اگر اینطور نباشد برنامه دولت یا سایر لواجه‌ها می‌آید چاپ میشود و دست ما ها میدهد و قرائت میکنیم یک قیام و قعود میکنیم و تمام میشود دیگر این زحمت و خرج و گفتگو و قان و قیل در کشور برای نمایندگان لازم نیست، خود دولت تنظیم میکند ای کفده‌ای را هم دعوت میکند باو رأی میدهند ولی بعقیده بنده در درجه اول صلاح همان است عهد یا حزب یا خارج حزبا اگر بی‌تاشکیل میدهد و دولتی را بوجود می‌آورد برای همین است که بیشتر در اطراف مطب مذاکره بشود حلاجی بشود تا بقول بعضی از آقایان دکتر ها اگر بگویند این ادویه چه چیز است میگویند این عصاره شیره فلان نبات و فلان درخت است بایستی مطالب را طوری در ارفاقت دقت کرد بقی بصورت قانونی در بیاید و بدست دولت داده شود بفتح جامعه بموقع اجرا بگذارد و هر کس تصور میکند که در بین نمایندگان مجلس شورای ملی خدای نگردد یک اختلاف اصولی هست این بخصاً رفته‌است زیرا بنده چون همانطور که در این انیت و منیت هم متصه هستم در مذهب هم همینطور است اگر گاهی هم بعضی از مسائل مذهبی را داخل میکنم آن جزء غریزه باطنی من است زیرا مذهب من اسلام و مملکت من ایران است ما در مذهب یک اصل دین و یک فرع دین داریم خوشبخت آنکسی است که مطابق آن اصول رفتار کند هکس هم که معلوم است در اینجا در کار های اجتماعی و ملی هم در مجلس شورای ملی مایک اصلی داریم یک فرهی داریم این اختلافات و مذاکرات و مشاخرات و حرارت‌هایی که تولید میشود و گاهی هم منجر بشنخ خواهد بود مربوط بان هدف اصلی نیست آن هدف مشترک نیست که همه ما ها بعد از تمام این گفتگوها و مشاخرات وقتی مواجه بشویم... پنجه‌های خودمان را مثل حلقه های زنجیر آهنین و فولاد بهم وصل میکنیم برای حفظ مصالح عالی کشور (صحیح است) . اگر کسی چنین خیالی را در مغز خود بیروناند کاملاً بخطا رفته است اگر در یک موقعی یا تشکیل دولت یا برنامه ای که طرح میشود اینجا یک آقایانی بعنوان مخالف اظهار عقیده بکنند بعقیده بنده آنهم بر خلاف مصلحت نیست زیرا جناب آقای دکتر متین‌دفتری عقیده‌شان اینست که از این در با یابوارد یا زلمان شده بنده عقیده‌ام اینست از آن در باید وارد شد ولی در هدف اصلی که سعادت جامعه است هر دو مشت کیم هیچ اختلافی در این قسمت در بین ماها نخواهد بود و اختلافات تمام نظری است و بعقیده بنده این گفت و شنود ها در مجلس لازمه تشریفات پارلمانی است چون در خارج بعضی از دوستان در ضمن صحبت دیده تصوراتی کرده اند بنده برای روشن شدن افکار عامه لازم دانستم بر عایت این اصول این مطالب را بر عرض برسانم که هم هر که نصدقه تفاهم بشود آقایان موافقین

دولت قبل از بنده مذاکرات لازمه را فرموده اند بعضی از همکارا که در ادوار مختلف تشریف داشته اند بساخلاق بنده سابقه دارند میدانند که شهوت سخنرانیم زیاد نیست ولی البته در موقع خودش در آنچه وظیفه بناید بگویم . آقایان همکار محترم ، دانشمندان مثل آقای دکتر شفق آقای شریعت زاده و سایر همکاران عزیز آنچه لازم بوده گفته اند بنده مگر حالا یک قاموسیرا بیآورم و یک لغت‌های جدیدی را پیدا بکنم پس برای اینکه باندازه سهم خودم منجم یک مطالبی و یک ادای وظیفه ای کرده باشم بطور اختصار رئوس مسائل را بر عرض برسانم؛ اولاً چون اخیراً بنده مواجه شده با مخالفت همکار عزیزم آقای امامی اهری گاهی در خارج هم باهم صحبت میکردیم میگفتیم ظرفین ما لایم بیرویم بنده همیشه در مخالفتم و یا موافقتم سعی میکنم عنان زبان را در کف بگیرم و از حد اعتدال خارج نشوم (صحیح است) و بعداً هم همین رویه را تعقیب خواهم کرد چون قبل از اینکه وارد شوم در موضوع مواد برنامه مورد موافقت و مخالفت است جناب آقای نخست وزیر در مقدمه خطابه و برنامه‌شان در یک جزء آن مرقوم فرموده‌اند « یکمده از ماجرا جویان در آذربایجان و کردستان » آقای دکتر متین‌دفتری نماینده محترم هم آن روز در ضمن اسمی از کردستان بردند و بنده عرض کرده در یک قسمت از کردستان اجازه می‌خواهم چون همانطور که آقای اهری اهل آذربایجان بودند و در چیزهایی گفتند و یک اظهار عقیده‌هایی راجع بانجا کردند بنده هم البته ذی‌مقدم در همه موازداظهار عقیده بکنم خصوصاً راجع بسقطه‌الراسمان کالبته حقتش بیشتر است اینجا نوشته شده است « ماجراجو در آذربایجان و کردستان » بنده لازم میدانم توضیح بدهم که کردستان از دامنه کوه آرارات یک سلسله جبال است که حدفاصل بین جلگه عراق و ایران میشود و این امتداد دارد تا کرمانشاه و کردستان (نخست وزیر - کردستان آذربایجان است) صحیح میفرمائید متشکرم ولی این توضیحات را برای افکار عامه بناید بر عرض برسانم تا میرسد بگوهای بختیاری ولی این کردستان مرکز اصلیش سنندج است و حومه و فضائی که دارد تقریباً ساکنین اینجا افراد آنجا چهارصد و پنجاه هزار نفرند و همین جمعیت میشود شهادت تاریخ یک اشخاص بزرگی همیشه بوجود آمده از اینجا و در مواقع مهم عقیده میهن پرستی خودشان را اعلام ابراز داشته‌اند (صحیح است) بناید در خاطر جناب اشرف باشد موقعیکه مرحوم مستوفی الممالک دولت را آورد اینجا و معرفی کرد و خودتان نماینده بودید بنده دیدم مرحوم نصرت‌الدوله و سلیمان میرزا یکی موافق و یکی مخالف راجع بکردستان یک مطالبی را اظهار کردند . مرحوم نصرت‌الدوله یک روز نامه‌ای را بیرون آورد و گفت این قسمت مربوط بکردستان است البته شاهزاده سلیمان میرزا هم چون اکثریت تشکیل داده بودند دفاعاتی کرد که بنده در آنجا مقتضی بود توضیحاتی دادم و حالا هم این تاریخچه را مامی ندارد تکرار نکنم در ضمن بیانم بنده این را گفتم یکی از افتخارات کرد و خود آقایان وقت تشریف داشتند عرض کردم بجناب مستوفی الممالک حالا عرض میکنم مرحوم مستوفی الممالک رحمه الله علیه بیرون از سلیمان میرزا آمده است و آن گوهر گرانبها را در دامن خود برای خدمت بهین پروراند . خود مرحوم مستوفی الممالک هم تصدیق فرمودند و گفتند صحیح است و بنده هم چون در ضمن بیانم گفتم از یک طرف خون شیرین کردرا دارد وقتی رفتیم بیرون همین جناب آقای نخست وزیر از بنده سؤال کرد ، یعنی شوخی فرمودند معلوم میشود خون کرد شیرین است عرض کردم بلی آن هائیکه عقیده مذهبی شان و علاقمندی و میهن پرستی شان اینطور است اکثر اینطورند حالا آن شخص بزرگوار که یک طرفش کرد بود آنطور بجامه امتحان داد و بعد در مواقع مهم رجال آنجا حاضر شدند از کردستان بیرون رفتند و وقتیکه مرحوم سلطان مراد میرزای حسام السلطنه مأموریت داشت آن وقت میرزا رضی که بنی اعمام مرحوم پدرم بوده بریاست یک لشکر بانچاره و در آن فتح شریک بوده و در پای دیوار قلعه هرات آنجا جام شهادت را نوشیده و چون بنده نمی‌خواهم زیاد وقت آقایان را بگیرم و وارد بشوم در یک قسمتی که جنبه خود خواهی داشته باشد این را دیگران بگویند بهتر است فقط یک جمله مختصری تذکر آ عرض میکنم خود بنده هم از اول مشروطه بشهادت آزادیاخواهانی که بوده‌اند خود همین جناب اشرف هم در همان موقع وزیر کشو بودند و آقایان بختیاری ها که بعضی شان در مجلس تشریف دارند و بعضی‌ها در خارج چه اقداماتی کرده برای حفظ آزادی و میهن پرستی ، در سنوات اخیر هم در تحولات شهریور و در این دوساله قضیه آذربایجان ، آن را هم شخص شخص اشرف حضرت که همه میدانند این پادشاه سنا جوان ولی بتدبیر پر با آن فکر عمیق و دوراندیشی همیشه مصالح کشور و میهن پرستی را در نظر گرفته و بنده را مورد عطف و خودشان قرار دادند جناب اشرف خودشان هم از جریان مستحضر میباشند و من در جریانش وارد نمیشوم . سایر عشایر آنجا هم اگر یک مواقعی یک مختصر ترک اولائی از ایشان سرزده باشد این دلیل نخواهد بود که خدای نکرده در اصل مطلب از صراط المستقیم منحرف بشوند زیرا ممکن است در هر قومی در هر شهری ، در هر استانی ، در هر خانواده‌ای ، البته خوب هم هست بد هم هست ولی باید حساب کرد که اینها نیکان و یا کدماستان و میهن پرستان و علاقمندان بشکشور بیشتر است یا بالعکس . بنده میتوانم با دلالتی که عرض کردم ثابت بکنم که اهالی کردستان همیشه با قائل بر کزیت بوده‌اند و میهن پرستند (صحیح است) و دست اجانب در مواقعی که بشکشور ایران بعضی حمله ها شده است کمتر در آنجا رخنه کرده (صحیح است) اینها از همان نسل آریا هستند و مذهب خودشان و میهن خودشان را همیشه محترم شمرده‌اند و بناید بشمارند (صحیح است) عرض کنم اما یک موضوعیکه بنده عرض کردم این مربوط بکردستان نبوده است و در مهاباد بوده این را عرض کنم بنده حمایت از اشخاص تجزیه طلب و کسانیکه برخلاف حکومت مشروطه قیام کرده باشند نداشته و ندارم (صحیح است) و در نظر بنده ترک و کرد و فارس و عرب و تمام ملتی که در این کشور زندگی میکنند یعنی نسبت باین ۱۵ میلیون مخلوق من با همه شان برادرم (معتمد دساوندی - احسنت) اما دولت و شاه مملکت صورت بدر راست با افراد

دارند یعنی بعقیده بنده همان طور که یک پدرواقعی که اولاد خودش را تربیت میکند و اگر در پاره‌ای مواقع مقتضی باشد با او اندرزی بدهد نصیحتی بکند و اگر برخلاف او رفتار بکند یک سبیلی هم با او میزند و بنده هم نوازشش میکند امروزه اعلیحضرت محمد رضاه پهلوی اگر سنا جوانند ولی ماقماً پدر همه سالخورده ها هستند (صحیح است) و بناید لازمه مقام پدرانه را کاملاً بجای بیاورند و همان طور که دولت تشکیل میشود از یکمده‌ای از افراد این کشور بنده خودم در ادوار زندگانی در همین جا از دوره مرحوم مستوفی الممالک تا حالا دیدم دولت های مختلفی آمده است ولی این دولت ها از چه افرادی است البته از افراد این کشورند همین طور که ما از افراد این خانواده هستیم این دولت ها هم همین طور است ، مادونیم ، دولت ما است ما ملتیم ، ملت این مجلس است بایستی دولت همان مقام پدرانه را نسبت با افراد رعایت بکنند (صحیح است) اهالی مهاباد همان طور که خودشان فرمودند یکمده‌ای ، یکمده ای گفته شد که اینها بعنوان تجزیه طلبی یا ماجرا جوئی یا هر چه که اسمش گذاشته شد البته برخلاف مصلحت بود و با خود بنده مذاکرانی کردند من همیشه جواب نفی با آنها دادم خاطر مبارک اعلیحضرت هم در همان موقع مستحضر بود خود جناب اشرف هم از جریان اطلاع پیدا کردند بنده چرا جواب منفی میدادم بیشتر بصلحت کردها میگفتم یک وقتی بایستی این عنوان را بکنند که بر شد سیاسی تعبیر شود والا هر ملتی در سر نوشت خودشان البته آزادند ولی بموقتش ، خدا میداند تمام این پیش آمد هارا من گفتم خصوصاً مرحوم صدراعظمی که در مجلس بود با بنده جنبه دوستی داشت گفتم که ، این ره که تو میروی بترکستان است بعد برایش شرح دادم و بعد از خاتمه این قضایا آمد اینجا و در سرسرای وزارت خارجه بنده ارا دیدم گفتم دیدید من خیر خواه گردیدم ، میگفت اگر شایبام موافقت میکردی ماصدی صد میردیم ، گفتم صدی صد زیان است و من راضی نخواهم شد بهمچو کاری ، بخود جناب اشرف عرض کردم صدراعظم این طاق بود و چنین تذکری باو دادم ولی از آن جا که المقدر لایقتر یکمده ای از اینها وارد شدند و باشد مجازات هم رسیدند ولی تأسف بنده یکجا است آنهایی که مسبب و مؤسس این کار بودند بایستی قبل از اینها مجازات شوند (صحیح است) ولی مجازات سخت نصیب اینها شد و گذشت مرضی ندارم ولی بعد از این باید همان طور که عرض کردم آن پدرواقعی محبت بکنند مرهمی را بر جراحت قلوب اینها بگذارند اخیراً یک چیزی بگوش بنده رسیده و بعضی از اهالی مهاباد اظهار کرده‌اند امیدواریم اینطور نباشد زیرا بنده تصور نمیکنم دولت در موضوع انتخابات دخالتی بنماید ولی گفته میشود بعضی از مأمورین چنین نظری پیدا کردند چند نفری از اهالی آنجا از بنده خواهش کردند این مطلب را بگویم از آنجاییکه بنده از موافقین دولت هستم و برای دولت میخواهم هیچ سوسه‌ای که من و رفقای من به آن دولت رأی میدهم در کار نباشد و بهانه‌ای بدست مخالفین نیفتد یک تذکرانی عرض میکنم یک جمله‌اش این است اگر چنانچه یک نفر مجرم واقع شد و مورد مؤاخذه و تنبیه واقع شد از

او یک هزار تومان ، ده هزار تومان ، صد هزار تومان بگیرد اسمش ظلم است ولی ظلم فاحش غصب حقوق یک ملتی است بایک قومی است و بنده همیشه عرایض دوطرفه‌ای است و یک جانبی نیست چه در خدمات ملی بودم چه در مشاغل دولتی بودم چون دولت و ملت را از هم جدا نمیدانم بنده از روی مصلحت دولت استدعا میکنم وزارت کشور تحت نظر خود جناب آقای نخست وزیر است وهم جناب آقای جم که از رجال نیک نفس این کشور هستند بمأمورین دستور بدهند مهاباد ، امسال ، آن روز مهاباد را در نظر نگیرند خوب گفته‌اند بشکرانه بازوی توانا از کشتن این شکار بگذرید نگذار مرغ روی تخم مرغابی بخوابد که ناخس در بیاید ، بایستی از صندوق مهاباد کرد در بیاید (صحیح است) بنده در دوره سابق اگر چنانچه با آقای حبیب‌الله محیط که از سقز انتخاب شد مخالف بودم و تشکر میکنم از نمایندگان دوره چهاردهم که تا آخر دوره باعتبار نامه ایشان رأی ندادند ، این برای چه بود؟ برای این بود که اهالی آنجا امیدوار باشند که حالا یکی مثل آقای محمد عباسی از اهل محل میهن پرست (صحیح است) معروف (صحیح است) هم بدولت خدمت کرده هم بجامه خدمت کرده است بیاید اینجا بنشیند بکنفر کرد از ساوجبلاغ در بیاید . بخارد کس اندر جهان پشت من - بخوارگی چون سر انگشت من و حتماً بایستی نماینده ساوجبلاغ کرد باشد (دکتر معظی - اگر غیر از کرد کسی دیگر بیاید ما رأی نمیدهیم) این هم تذکری بود که عرض کردم هم از نقطه نظر دولت و هم از نظر مصلحت ملت . بنده چون بعنوان موافق اسم خودم را در ستون موافقین نوشته ام ، مخالفین هم صحبت میکنند عرض کردم باندازه اینکه زیاد وقت مجلس را نگیرم و حرف موافقین را تکرار نکنم چند جمله‌ای از آنها بذهن سیرده شد ، یکی گفته شد عملیات نوزده ماهه جناب آقای نخست وزیر ، آقای نخست وزیر در اینجا جادو همین خطابه و برنامه خودشان تذکر داده اند و فرموده اند آنرا بر عرض مجلس خواهند رساند (صحیح است) ولی یک قسمت از این عملیات که بنده در کردستان از دور مشاهده کرده‌ام و بعضی را هم از نزدیک دیده‌ام عقیده بنده غیر از این است که آقایان مخالفین فرمودند ، زیرا ما بیانییم و مقایسه بکنیم ، بنده در آن موقعی که آخر دوره چهاردهم بود در اینجا نبودم ، من در کردستان بودم و همکاران پارلمانی من اظهار تمایل کرده بودند بزمامداری ایشان (صحیح است) ولی یکی ما رجال سیاسی و مجرب زیاد نداریم ، در این کشور آنهایی که بودند یکی بعد از دیگری رفتند ، ولی خوشبختانه از چند سال باینطرف در جوانان ما یک رغبت بسزائی بتحصیل علم و دانش پیدا شده است و یکمده‌شان را حالا که بنده دوره پانزدهم را مقایسه میکنم با ادوار سابق می بینم در بین همکارانم یکمده دانشمندان زیادی دکتر های زیادی هستند و البته بعد از ورزیدگی و تجارب بالطبع زمام امور دست این جوانهایی که امروز در مجلس هست میکنند رجال ما صورت اسلحه های مختلفی دارند هر کدامشان در یک موقعی بایستی برای جامعه بکار بیفتند و خدمت بکنند البته این رجالی

که امروزه هستند رجال مجرب سیاسی هستند و حالا هم چند نفر از نخست وزیران سابق در این جا تشریف دارند بنده همه شان ارادت دارم در هر موقعی باقتضای آن روز به کشور خدمت کرده‌اند و البته يك روزی هم خواهد آمد که مصدر خدمات مهمی بشوند ولی اثبات شیبی نفی ما عدا نمی کنند امروز بنده بدو سه جهت موافق با زمامداری جناب آقای قوام السلطنه یکی اینکه بنده در کردستان هستم و اهل آنجا هستم و افتخار نمایندگی آنجا را هم داشته و دارم من خودم را برای ایران و برای کردستان میخوام حالا من بیایم بدون جهت به آقای قوام السلطنه و امثال آقای قوام السلطنه رای بدهم این از محالات است تا نه بینم که يك صفاتی در این زمامدار هست و میتواند در اینجا در این دنیای مشوش در این وضع مبهم يك خدماتی به جامعه بکند من از روی آنها به ایشان رای میدهم (صحیح است) من می‌خواهم امروزه يك کسی رای بدهم که با مقتضیات امروزه بتواند در مقابل زمامداران دنیا عرض اندام بکند (صحیح است) بنفع این جامعه (صحیح است) بنده در کردستان در بعضی موقعها یعنی در موقع های بحرانی و اهمیت دولت يك توجهی بیننده میفرمایند و امر میکنند يك خدماتی هر وقت در خارج مجلس بوده‌ام ، هو سه مرتبه امر شده است منهم وظیفه يك فرد ایرانی را انجام داده‌ام ، این دفعه هم که با امر اعلیحضرت همایونی و جناب آقای نخست وزیر در آنجا مشغول انجام وظیفه بودم ، هم از رد و بدل تلگرافاتی که در بین بنده و دولت میشد هم وقتی که به تهران احضار میشدم یا خودم می‌آمدم بشرف حضور اعلیحضرت همایونی یا خدمت جناب آقای نخست وزیر میرسیدم مطالب عرض میشد اولاً يك روز در يك مصاحبه ای با یکی از مغربین جراید گفتم و در روزنامه ایران هم نوشته بودند گفتم هر وقت شرفیابی من در حضور اعلیحضرت همایونی تکرار میشود عقیده‌ام بفکر این شاهنشاه جوان و علاقمندش بکشور و تعمق و دوراندیشی ایشان خصوصاً جنبه دمکراسی بیشتر میشود این شخص اعلیحضرت همایونی ، قولی است که جعلگی برآند اما جناب آقای قوام السلطنه من آنچه را در وزارت در ریاست وزراتی، در این جزر و مد های سیاسی دیده و از دور هم ناظر بودم چیزی را ندیده‌ام برخلاف مصلحت این کشور یا بن که مصدر شغلی بوده‌ام دستور بدهند یا در دور خودم مشاهده بکنم (صحیح است) بالعکس در آن بجزو تیرگی روابط آذربایجان و آن قسمت مهاباد ، کردستان با تهران ، همان سرنوشتی که الان آقای اهری اسمی از آن بردند مقصود این است که وضعیت کشور را در آن موقع که ایشان زمام امور را در دست داشتند و قبول زحمت کردند درجه حالی بود چون بنده با فرمانده کردستان تماس داشتم و با این لباس و وظایف سرایزی را انجام میدادم مطالب را میشنیدم آنجا در سردشت که در محاصره بودند آن روح سلحشوری آنها بقدری بود قاضی را خوردند معصوم مانده بودند و اگر تا ده روز دیگر این عمل تصفیه نمیشد چه عرض کنم حال بعضی ها میگویند کی کرد بعضها میگویند آقای قوام

السلطنه کرد ، بنده میخوام حقایقش را بگویم اثر اینطور نشده بود سرنوشت آن عده در سردشت چه میشد ؟ چقدر از جوانهای ما بشیمه آنهاهی که رفتند وطنشان را وداع میکردند و من از همان فرمانده آنجا يك تلگراف می دیدم چقدر باعث امیدواری شد راجع باینکه گفته میشود راجع بافسر ها در بین افسرها بسیار اشخاصی تمام معنی سرایز و مین پرست هستند (صحیح است) من دیدم که فرمانده آن قسمت وقتی که تلگراف کرده است که روحیه ما تزلزل نایدیر است و ما برای فداکاری و برای مصالح مین بعد توانائی مان کوشش میکنیم (صحیح است) احسنت (دین طور هم بود مقاومت هم کردند تا بواسطه حسن تدبیر همان سیاحت ملایمی که میگویند عیب بوده ، بنده همان سیاست ملایم را حسن میدانم (صحیح است) زیرا مریه نارس را از درخت چیدن چه فایده دارد، اما سیاست خارجی، سیاست خارجی که در اینجا شرح دادند آقایان هم خواننده اند بنده هم يك دفعه دیگر میخوانم: «در روابط خارجی دوستی واصل احترام کامل متقابل با تمام دول مخصوصاً با دول معظمه مراعات گردیده و در تشدید روابط حسنه و حسن تفاهم کامل با اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر و ممالک متحده امریکا با توجه باصل مذکور سعی و کوشش لازم شده و خواهد شد، این مطلب را باید متذکر شود که این جانب از بدو زمامداری خود سعی بوده‌ام از هر گونه مداخله خارجی در امور داخلی مملکت جلوگیری شود و این تذکر را رسماً بنمایندگان سیاسی دول داده‌ام و در اجرای آن نهایت مراقبت را داشته و خواهم داشت و حاجت بتوضیح نیست که دولت ایران عضو صدیق سازمان ملل متفق میباشد و برای هضویت خود و وظایفی که از این لحاظ بعهده دارد اهمیت فراوان قائل است». خوب سیاست خارجی دیگر از این بهتر چه بگویند (صحیح است) و حالا بنده در این قسمت چه توضیحی بدهم و آنکه مورد ایراد است کدام است و آقای وزیر راه هم گفتند که سیاست خارجی ما بطوری محکم است که هوایماهای خارجی را هم ممنوع کرده ایم که هوای ایران هم محفوظ باشد (صحیح است) اینکه گفته میشود در اقدام برای استخلاص آذربایجان از ماجراجوها تأخیر شده البته نمایندگان محترم آذربایجان در آن قسمت از بنده اطلاعشان بیشتر است ولی بنده آنچه را میدانم اینجا عرض میکنم، شخص سیاسی رجل سیاسی یکی از شاهکارش این است که باقتضای روز عمل بکند ، باقتضای ایام زمان عمل بکند ندو کند موتور کشور را در دست بگیرد در عین حال بنفع جامعه خاتمه بدهد آن کار را چون بنده در يك قسمت کردستان اطلاعات دارم گمان نمیکنم همان اقدامات ایشان صدی صد بنفع آن طرف ها تمام شد و بنده من باب مثال عرض میکنم اگر یکی از ماها اخدای نکرده يك مریضی پیدا کنیم یکی از خانواده‌مان بگویم نزدیکانمان مریض شده‌مان طوریکه شده بنده مسائلی که عرض میکنم تمام دلپش نزدیکان است اما بنده مریض داشتم و با آقای وزیر محترم بهداری شوق بردم و ایشان فرمودند برو قوسر فرانسوی البته بهتر است ما اگر در ایران يك مریضی را پیدا کنیم یعنی یکی از

کسان مان مریض شد و محتاج شدیم که بيك طبيب حاق مجربى سراجه بکنیم وقتیکه دور میزنیم بالاخره میگویند آقای دکتر امیر اعلم هم صلاً و هم سناً و هم تجاربش بیش از سایرین است خوب امروزه هم بنده از آن اشخاصی هستم که جناب آقای وزیر بهداری ارادت دارم ولی البته ایشان خودشان منکر نیستند که آقای دکتر امیر اعلم تجاربشان از ایشان بیشتر است و شاید سمت اسنادی هم دارند خوب ، رفتیم بيك طبيبی را پیدا کردیم که این مریض را معالجه بکنند در موقعی که زمستان است کوفه‌ها را برف گرفته است و جاده ها هم مسدود است و وسایل هم نیست بایستی بنی سبلین تزیین بکنند بنی سبلین ما نداریم از فضا در کردستان ما بنی سبلین نیست جناب آقای وزیر بهداری بیچالی فکر بفرمایند برای بنی سبلین در کردستان ، بهر حال این مریض بایستی يك غذاهای مخصوص بخورد و آن شخص هم که ولی این مریض است فاقد وسایل است بعد از آنکه معالجه کرد و ادویه بهش داد و غذا بهش داد این را بحال صحت آورد و به بنده تسلیم کرد آن وقت عرض اینکه بنده از آقای دکتر امیر اعلم تشکر بکنم تا سیاستگرایی بکنم گمان میکنم از انصاف و عدل دور است (صحیح است) ما در يك موقع مهم خطرناکی تقاضا کردیم جناب آقای قوام السلطنه نخست وزیر باشند ، شاهنشاه ما با همین علاقه به ایشان امر فرمودند و ایشان هم زمامداری را قبول کردند و بعضی از آقایان خرد گیری میکنند از نقطه نظر قانون من چون بیشتر عمر در قانون گذاری صرف شده است نمیتوانم منکر بدیهیات بشوم ولی بایستی دید که اگر چنانچه يك پولی خرج شده و در غیاب مجلس يك قانونی تغییر داده شده است مثل این قانون مالیات بر درآمد ، از چه نظری بوده است ، این خرج بنفع جامعه بوده یا خدای نخواسته بضررش بوده ، این قانون ، البته بنده از آن کسانی هستم که مخالف بودم شاید سایر رفتاری من هم با این عمل مخالفند و هیچ قانونی در کشور بی اجازه مجلس قابل اجرا نیست (صحیح است) ولی نگرانی من برای آن موقع نیست زیرا موقع موقعی بود که فوق العاده اهمیت داشت و الان بنده بخاطر آمد يك روز مرحوم مشیرالدوله در همین مجلس بود و بنده هم مفتخر بودم يك مذاکراتی شد و وقتیکه بیرون رفت گفت این رفقای ما همه از قانون صحت میکنند در صورتیکه این قوانین به دست من انشاء شده‌است خود من موافق بودم ، خود من آزاد میخوام ولی فلانکس يك روز مسکن است من هم باقتضای آن روز مصلحت کشور را در آن بینم که يك ماده از قانون را زیر پا بگذارم زیر پایم میگنارم خدا گواه است این عین عبارت مرحوم مشیرالدوله بود ، او رفته است من هم خواهم رفت دیگران هم خواهند رفت ، آقایان اگر در آن موقع از لایبی ، از ناچاری يك پولهای را خرج کرده اند اگر چه آقای وزیر مثل هژیر تشریف آورده اند این جا جواب ها را داده اند باز هم میبندند ولی بنده میخوام به هم خودم این عرایض را کرده باشم و وظیفه‌ام را انجام بدهم و بگویم من موافق نیستم با هیچ خرجی بدون اجازه مجلس با هیچ قانونی بدون تصویب مجلس

والته باید کاری کرد که نگرانی تولید نشود و نگرانی بیشتر نمایندگان روی این قسمت است که سابقه‌شود و برای یاره مواقع بضرر خود دولت هم هست دیگر مجلس بوجود نیاید و قانونی هم از مجلس نگذرد پس بایستی در اینگونه موارد خود دولت هم تسامحی باشد که مطابق قانون امور جریان نماید و بایستی جریان بشود ، بعدها سابقه نشود آن موضوع ، برای اینکه عرض کردم عرایضم بیکطرفی نیست لازم دانستم اینها را هم تذکر بدهم راجع بنفت يك غوغائی در این کشور راه افتاد مثل اینکه خدای نکرده باشند بیرون آمده‌است ریخته‌اند روی ایران و يك کبریتی میکنند و ایران را میسوزاند در صورتی که اینطور نیست در آن موقع باز همان تشبیه مریض و طبیب اقتضا این بوده يك تزریق مرفین باین مریض بنمایند این وجعی که شدت کرده يك اسكات فوری داده شود (صحیح است) چنانچه هم آقای نخست وزیر در غیاب مجلس باقتضای آنروز موکول کرده است به تصویب مجلس مقتضی دید است و يك مقاله نامه را رد و بدل کرده است این برای ما مدرک قانونی نیست ، ما ملزم نیستیم (صحیح است) در این جا عاقلانه هم نفی و اثباتی نمیگویم تا اینکه به بینم آقای نخست وزیر واقفان را میآورند بانه و بچه صورتی میآورند و البته همه ماها موقفیم باینکه این خزائن تحت الارضی ما رو بیاید تا کشور ما آباد شود و باین حال فلاکت خاتمه داده شود مملکت ما از این منابع استفاده بکنند ولی چه جور در بیاید و بچه نحو از این منابع بنفع جامعه استفاده بشود ، البته بایستی يك قدری خونسردی در این قسمت بخرج بدهیم مسلم است این دولت هم باندازه من فهم دارد ، بیشتر از من هلاقمند نباشد کمتر از من نیستند من که میگویم من خودم و آقای نخست وزیر و سایر وزرای سابق و اسبق را ما برای ایران میخوام و البته آنها هم ایران را میخوانند (صحیح است) اینها که از جنبه نایمده‌اند و ما ایرانی باشیم آقایان محترم همه ایرانی هستیم من همان مسئولیتی را که در اول عرایضم برای نمایندگان عرض کردم باید دوجا حساب پس بدهیم و وزراء هم همین حاله را دارند البته اینجا حساب کار خودشان را میکنند ، اگر چنانچه مقتضی شد بنفع جامعه تمام شد انجام میدهند بنده نمی دانم خواهد دولت ، شوروی یا انگلیس یا امریکا هر کدام از اینها باشند و خواه بدست خود ایرانیها استخراج شود البته لایحه آن میآید بمجلس و حالا که غیاب مجلس نیست ایشان مجبور باشند مقاله نامه را ترتیب بدهند البته باید بیاید اینجا در اطراف صحت بشود ، حلاجی بشود ما در اطراف آن دقت میکنیم ، اگر دیدیم بنفع جامعه است چه بهتر اگر نبود هیچ يك از ماها رای نخواهیم داد همکار عزیزم آقای اردلان در بیان ایشان يك جمله ای گفتند حالا من هم با ایشان تذکر بدهم و بگویم که عقل شما از من بیشتر است ولی تجربه بندهم از شما شایدز یادتر باشد (اردلان بنده قبول دارم) گفتند دولت را نگهدارید تا آخر دوره بنده این عرض را نمیکنم میگویم دولت را نگاه میداریم تا موقعی که کار خوب برای ما بکند (صحیح است) ریش و قیچی دست خودمان است بنده عرض کردم تا آنجا که میآیم تو دفتر خصوصی است وقتی باینجا رسیدیم دفتر سیاسی ماست بنده

برای جناب آقای نخست وزیر خواه مصدر شغلی باشند یا نباشند بحال من فرق نمیکنم ، آن مقام و احترام بدرانه را برای ایشان رعایت کرده‌ام و باز هم رعایت خواهم کرد ولی اینجا حساب مردم است ، حساب ۱۵ میلیون ایرانی است که من جزو آنها هستم میخوام نسل آتیه ما در این کشور زندگانی بکند برای این موضوع است که این عرایض را عرض میکنم جناب آقای نخست وزیر باید عرایض بنده را توجه بفرمایند ، آقایان وزراء همیشه در حضورتان هستند ، عرض کنم اگر چنانچه این اظهار عقید ای که بنده و موافقین دولت در اینجا مینمایم بعدها هم علائق ثابت خواهد شد و سایر رفقا هم که هیچ نظری ندارند در این تقیدات جز حفظ مصالح کشور نظر سوئی ندارند آنها هم در اساس با من هم آواز هستند امیدوارم پس از مذاکرات در موقع رای اعتماد يك عده بیشتری اظهار تمایل بکنند ، اگر هم نشد ممکنست در عملیات جناحی و دولت شما خدمات بیشتری را بنفع جامعه انجام دهند چون ما نمایندگان باید یکدیگر دعوا نداریم تمام حرفهای ما از روی مصالح مملکت است شاید در يك لایحه ای که بمجلس بیاید با اتفاق آراء بدولت جناحی رای بدهند ولی من میگویم دولت همانطور که در مقابل مجلس شورای ملی مسئول است بایستی در بیم و رجاء بدانند که بیشتر در کارها سعی باشد و ما سرحدی برای خدمات شما قائل نمیشوم زیرا کشور ایران احتیاج باصلاحات زیادی دارد آقای اهری گفتند مثلا صد هفتاد هزار دلار گرفته شده است آنهم جواش با آقای هژیر است بنده هم نه دخالتی داشتم در این قسمت نه اطلاعی دارم صحت و سقمش را هم نمیدانم، اما در خصوص حزب توده ، حزب توده در موقعیکه بنده در تهران بودم آنها تشکیلاتی داشتند و کلوب آنها دائر بود همه میدانید ، بنده همانطور بنده ای که دارای کتب آسمانی هستند احترام میگنارم مسالک هم در نظر من محترم است (صحیح است) اولاً در موقعیکه ایشان زمامدار شدند حزب توده بهم بود، در ولایات نیز تشکیلات کاملی داشتند الان نماینده محترم کرمانشاه اینجا تشریف دارند و از جریان آنجا مسیوقانه منتهی خدا خواست کردستان به هم موافقت کردند صلحای قوم تشغیب دادند بان عرایضی که بنده میکردم از روی مصلحت بود و بعد هم فهمیدند که اینطور است و نگذاشتیم در آن موقع تشکیلات و اختلافات حزبی آنجا تولید شود ولی بنده میدیدم بمتنهای فعالیت در تمام ایران مشغول هستند خوب باید دید این سیاستمدار حسن سیاست بوده که چند نفر از لیبرهای آنها را میآورد و اردو دولت میکند یا سوء سیاست (صحیح است) بعقیده من حسن سیاست بوده اینکار بوقمی بوده که آنوقت کرده است و بعد هم آن بحران بر طرف شد و يك عده دیگری را تعیین کردند (صحیح است) همانطور که شهری خوب هم هست بندهم هست در حزب توده سراغ دارم اشخاص خوبی هستند متنها عقیده شان با بنده مخالف است و من هم با عقیده آنها چندان موافقی ندارم ، این قسمت مربوط به اساس صکار نیست ، اما يك جمله ای که همکار عزیزم آقای اهری

پیرروز گفت اگر بنده قبالا در ضمن آن صحبتهایی که در خارج با هم برادرانه میکردیم زیرا ما موافق و مخالف بطوریکه عرض کردم ما میرویم بیرون از دهن همدیگر گل می چینیم و روی مصالح کشور صحبت میکنیم و در ملاقات های خصوصی راجع بکارهای سیاسی با برادر مکررم و همکار عزیزم آقای مسعودی با هم شور میکنیم خوشوقت میشویم از سر مقاله‌هایی که ایشان در روزنامه می نویسند و بنفع جامعه تمام میشود (صحیح است) ما در اساس هیچگونه اختلافی نداریم ، هدف مشترکمان مصلحت ملت ایران است (صحیح است) ولی عقیده دارم در موافقت و مخالفت همانطوریکه جناب آقای رئیس هم تذکر دادند در گفتن آقایان نمایندگان آزادند ولی عقیده بنده این است که تیر تهمت را زهر آلود کردن و بهمدیگر برتاب کردن این عمل خارج از انصاف است ، (صحیح است) خارج از اهت مجلس شورای ملی است ، زیرا مجلس شورای ملی برای ادب و نزاکت و خبلی چیزها مخصوصاً در این قسمت ها بایستی سرمشق بشود برای سایر افراد ایرانی (صحیح است) ما اگر مؤدب باشیم و رعایت نزاکت را بکنیم و مقام دولت را حفظ بکنیم بخودمان احترام گذاشته ایم زیرا ما از طرف يك عده ای اینجا نشسته ایم سرنوشت ۱۵ میلیون بدست ما افتاده و يك مقام چندی است هر چه بیشتر متانت و وقار و نزاکت رعایت بشود بر اهت جامعه ما در نظر داخلی و خارجی افزوده میشود (صحیح است) بنده اگر چنانچه در ضمن صحبت طرف شور همکار عزیزم آقای اهری قرار میگیرم خواهش میکنم این جمله که گفتند آقای نخست وزیر همکار با پیشه‌وری است نفرمایند، بنده معتقد نیستم اگر آقای نخست وزیر يك قدمهائی بردارند ، يك ملاقاتهایی بکنند اینها بر خلاف مصلحت کشور است ، زیرا بخودشان مرض کردم، گفتم شام تشریف بردید بيك پایتخت کمونیستی همسایه محترم ما ، امید است بنفع جامعه اقداماتی نموده باشید بعد از تغییر کابینه جناب آقای حکیمی بود ، در اینجا بعضی از رفقایم میگفتند ما اندیشه داریم از اینکه ایشان بيك طرف تمایلی نشان بدهند و موازنه سیاست را نگه ندارند ، بنده يك عبارتی در جواب آنها گفتم بعد بخودشان هم عرض کردم ، حالا نمیخوام تکرار کنم تشریف بردید مسکو و برگشتید و من هم تصور میکنم بنفع ایران يك اقداماتی را کرده اند (صحیح است) حالا هم بنده عرض میکنم اگر چنانچه با پیشه‌وری یا از اوبدتر و ظالم تر ملاقات کنند کسیکه محل اعتماد ما است و میدانیم که این شخص حاضر نیست بهچوجه قدسی برخلاف مصلحت کشور بر دارد چه مانعی دارد ، در این صورت آقای نخست وزیر آقا باید با هیچکدام از سفرا یا خارجی ها صحبت نکنند ، یا این سفرا یکی از آنها اگر نفت بخواند دیگری ذغال بخواند و یکی هم معدن آهن بخواند یا سفرا نباید صحبت کرد ، بنده این گونه ملاقاتها را مانعی برایش نمیدانم و منافاتی با زمامداری ایشان باقتضای روز بوده ولی عمل ایشان را بنده به بینم این موقع بنده چرا عرض میکنم جناب آقای ساعدی یکی از زمامدارهای شریف مینم برست این کشورند (صحیح است) برای عملشان در همین جا بود مطالبی را

راجع بکردستان بایشان گفتم گفتند حالا بآنجا هم میرسیم و بنده در اوایل بیانات خودم عرض کردم رئوس مطالب را میگویم و رد می‌شوم برای این که شاید سایرین هم صحبت بکنند عقیده منم که ما امروزه يك راه صواب را می‌پیماییم، چون این شخص محترم هم طرف توجه شخص شخیص اعلیحضرت همایونی است و هم معتمد خواهد بود در مجلس یعنی مقصودم عده‌ای که بایشان رأی می‌دهند جناب آقای نخست‌وزیر بعد از اینکه راجع بکردستان عرایض تمام شد آن وقت خاتمه میدهم، این موضوع موضوع عمومی بود بنده عرض کردم و شوايك مدافعی هم دارید و سابق هم زمامدار بوده‌اید در ایام فترت هم يك اقداماتی کرده اید البته بعد از اینکه خودتان فرمودید صورت عملیات را هم بمجلس تقدیم خواهید کرد ما هم بیشر روشن میشویم ولی پس از این همه مشاجرات و مذاکرات وقتیکه رأی اعتماد بجناب عالی داده شد بنده عقیده ام اینست بشکرانه سه نعمت یکی اولاً توجه شاه نسبت بشما یکی مؤتمد مجلس واقع شدید در واقع معتمد اکثریت جامعه ایرانی هستید، یکی هم خدای تبارک و تعالی شما را اینطور در میان يك عده‌ای که لایق هم هستند خلق کرده ما میگوئیم شما البقیه، بشکرانه این سه نعمت در منزل عرض فرزند خودتان را هم اینجا میبذیرید یا نمیبذیرید، زانو بزمن بزن و دعا بکن و حضور اعلیحضرت هم شرفیاب بشو و فکر نکن. (نخست‌وزیر - چه تشکری بکنم آقا اینها چه چیز است میگوئید، از کی تشکر کنم تشکر کنم از اینجا، اینجا آمده ام از نمایندگان تشکر کنم، تشکر کنم از اینکه این جا مورد اهانت واقع شده‌ام، چه حرفی است) اهانت نیست موازنه بفرمائید آهائى هم که شما تذکر میدهند اهانت نیست، اهانت را قبول نکنید زیرا شخص بزرگ باید اندیشه و فکرش بزرگ باشد میگویند بعضی از مرفها هستند چینه دان آن‌ها یعنی حوصله‌شان سنگ را آب میکند جناب عالی بایستی حوصله داشته باشید هصبانی نشوید (نخست‌وزیر - چقدر حوصله بایستی داشته باشم، چند روز است که برنامه در مجلس مطرح مذاکرات است، چقدر حوصله داشته باشم چقدر حرف مخالف را بشنوم، کارهای مملکت به تعویق افتاده همینطور را که مانده است، هر کس موافق و مخالف می‌رود اوراقی تهیه میکند این جا

میخواند چه نتیجه دارد برای مملکت، خواهش میکنم بنده را ارشاد فرمائید) ملت ایران میدانند که این قانون مطرح شده و بنفع آنها هم اجرا خواهد شد مردم ایران میدانند این قانون در مجلس حلاجی شده و بنفع آنها دولت اجرا میکند، همان طور که موقع فوق‌العاده‌ای بود برای زمامداری جناب عالی حالا هم این مجلس فوق‌العاده است بنده عرض میکنم که بایستی حوصله بخرج بدهید اگر چنانچه يك عده دیگری هم مذاکره کنند مانعی ندارد (یک نفر از نمایندگان - ولی نه عرض ورزی) این عقیده بنده بود، اما راجع باصلاحات عمومی، بنده عقیده‌ام اینست که بایستی يك کاری بشود که این ملت همانطور که خودتان می‌فرمائید این برنامه ۷ ساله اجرا شود و مردم از این فقر و فلاکت بیرون بیایند و بایستی در درجه اول در اقتصادیات کشور کوشش کنید، یعنی آن ملتی که ۱۵ میلیون صادرات دارد و سی ملیون واردات دارد این ملت سرنوشش چه خواهد شد، مخارج زاید را روی آن قلم نه باید کشید، مادر کمسیون بودجه این روزها يك لایحه دیدیم در دوره زمامداری آقای حکیمی آقای هژیر آورده‌اند ولی همینطور بلا تکلیف مانده است و آنجا صدی صد دخل و خرج کشور را تطبیق کرده است البته ما هم در کمسیون بودجه هستیم نظیرمان همین است که خیلی دقیق باشیم و در خرج‌های زاید هم همان قلم نه را رویش خواهیم کشید زیرا ایران زندگانی لوکس لازم ندارد نه برای وزیر نه برای وکیل نه برای سایر اشخاص بنده یکی از دوستانم چندی قبل از انگلستان برگشته بود میگفت در يك جائی بودم مستر ایندن وزیر خارجه انگلستان وارد شد با تو میبیل تا کسی بمدیکی از رفقایش باو تعارف کرد در برگشتن، خندید گفت من وزیر خارجه انگلستان هستم ولی در موقع کار استفاد میکنم از اتومبیل وزارت خارجه، آن روز خود جناب آقای نخست‌وزیر و جناب آقای هژیر تصدیق کردند يك مخارج زائندی در این مملکت هست و دولت هم خودش مایل است که این مخارج زاید را حذف کند، ما اگر چنانچه بعنوان موافق در این جا تذکراتی میدهم از نقطه نظر علاقمندی

بکشور است و برای حسن عمل دولت جناب عالی است، ولی موضوع کردستان بنده کمتر فرصت مثل امروز پیدا میکنم (نخست‌وزیر - آنچه راجع بکردستان میخواهید بگوئید پیش من بیایید همه را اطاعت میکنم، راجع بکردستان هر چه میخواهید بفرمائید تشریف بیاورید پیشنهاد بنده تمام را اطاعت میکنم) من چند روز قبل حضور اعلیحضرت همایونی رتشف حاصل کردم در ضمن فرمودند میخواهم بیایم بکردستان، در جواب عرض کردم در درجه اول باعث افتخار است و در درجه دوم باعث انفعال. فرمودند چرا عرض کردم از موقعی که جناب آقای نخست‌وزیر بودند بنده بی اصلاحات انجام بگردم زیرا خود جناب آقای جم میدانند، لطف کردند لایحه ای را آوردند به مجلس راجع به اصلاحات کردستان و از مجلس هم گذشت حالا چون آقای نخست‌وزیر این جا تشریف دارند خواسته اند کار برنامه خاتمه پیدا کند از جزئیات آن صرف نظر میکنم ولی همیشه عرض میکنم که وضعیات کردستان تمام معنی در حال فلج است فرمودید که بخودتان مراجعه کنم، ولی مطالبی را که شخص خودتان میرسید نتیجه اش در ۴۸ ساعت نفی و اثباتش معلوم است ولی بایستی این جا عرض کنم تا آقایان وزراء هم متوجه باشند هر مطلب، هر حرفی را نباید تنها بنخست‌وزیر گفت ولی بنده مقصودم این است که کردستان يك مرضی است دستش، پایش، معده‌اش روده اش تمام اعضای آن باستثنای قلب زیرا قلب او متوجه است به خدا و به میهن، قلبش بحال خودش باقی است و مابقی اعضایش مرض است و جناب اشرف که این موضوع را توجه فرمودید من معالجه اینها را میخواهم (صحیح است) و در خاتمه بنده برای خودم و هم برای عموم همکارانم از خداوند تبارک و تعالی توفیق خدمت میطلبم بنحوی که بصلاح جامعه باشد (انشاء الله) و همانطور که گفتم ما باید در امتحان پری بگیریم تا ملت در قضاوتش نسبت بما حسن ظن و اعتمادش بیشتر بشود (صحیح است، لاجسنت - احسنت)

رئیس - يك ربع ساعت تنفس داده میشود (صحیح است)

(در این مجلس موقع ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)